

## مطالعه تطبیقی اقسام استحاضه و احکام آن در نگاه فقیهین؛ محقق خوبی و محقق حکیم

نسیم تیموری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

### چکیده

استحاضه یکی از دماء ثلاثه است که در روایات و به تبع آن در احکام فقهاء انواع و احکام خاص خود را دارد. مشهور فقها، استحاضه را به قلیله که حکم آن وجوب وضو و متوسطه که حکم آن غسل روزانه و کشیره که حکم آن اغسال سه یا پنج گانه است، تقسیم می کنند. برخی از فقیهان همچون مرحوم خوبی و حکیم، استحاضه را دو قسم قلیله و متوسطه می دانند. به نظر می رسد نظر مشهور در اقسام استحاضه رجحان دارد. یافته های این مقاله که به روش تطبیقی و جمع آوری کتابخانه ای صورت پذیرفته، در مورد احکام مترتب بر استحاضه، حاکی آن است که احکامی نظیر وجوب تعویض پنبه به وجوب گیری به دلیل تنجس محل، وجوب تحفظ از خروج خون به وجوب گیری و بطلان نماز در صورت عدم تحفظ بدون نیاز به اعاده غسل، عدم وجوب غسل متوسطه قبل از نماز صبح، وجوب وضو قبل از هر نماز، وجوب تجدید وضو در نوافل، کفایت اغسال کشیره از وضو، وجوب جمع بین صلاتین در صورت کفایت به غسل واحد، جواز تفریق نمازها در صورت اتیان اغسال پنج گانه و کفایت اغسال فرائض برای نوافل از اتقان بالاتری برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** دماء ثلاثه، استحاضه، فقه، خوبی، حکیم.

دین مبین اسلام به تمام دقایق زندگی بشر توجه داشته و برای آن احکام و قوانینی وضع نموده است که به تبع آن انسان را از بلا تکلیفی نجات دهد. بانوان و مسائل مخصوص به ایشان نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد؛ بلکه چه بسا مسائل مربوط به بانوان و حل آنها در قالب احکام عملی از اهمیت بالاتری برخوردار باشد. از آنجا که مدیریت خانه و فرزند پروری بر عهده بانوان می باشد، حفظ آرامش و معنویت ایشان در به انجام رساندن مسئولیت های سنگینی که بر عهده دارند، ضروری می نماید.

یکی از مسائل مخصوص بانوان رؤیت خون در غیر عادت ماهیانه است. عادت ماهیانه یا حیض، خونی است که در هر ماه به طور متوسط یک هفته بر بانوان حادث می شود و به تعبیر خداوند متعال در آیه ۲۲۲ سوره بقره: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى...»؛ و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو: آن رنجی است...» رنجی برای بانوان است. اگر زن در غیر این ایام، خونی ببیند و در نفاس نباشد، استحاضه نام دارد که بنا به شرایط آن به اقسامی تقسیم شده و هر قسم احکام مخصوص به خود دارد. اگر حیض که معمولا ایام مخصوص به خود دارد و زن در آن ایام از تکالیفی همچون نماز و روزه معاف است، مشقت محسوب شود به طریق اولی استحاضه که زمان مخصوصی نداشته و چه بسا زن را در ایام بیشتری از حیض به خود مشغول کند، مضاف اینکه تکالیفی چون نماز و روزه بر عهده زن است، مشقت بیشتری را برای او به بار آورد. ندانستن احکام و بلا تکلیفی در عمل رنج مضاعفی است که دین اسلام برای آن چاره اندیشیده و فقهای عظام با استخراج احکام از دل آیات و روایت، حس عدم طهارت و عدم آگاهی به وظیفه را برطرف نموده اند.

در نگاه مشهور فقیهان استحاضه به سه قسم قلیله، متوسطه و کثیره تقسیم می شود. یعنی اگر خون استحاضه اگر داخل پنبه نفوذ نکند به آن استحاضه قلیله می گویند که وضو برای هر نماز برای تحقق طهارت، کافی است. اگر خون داخل پنبه نفوذ کند، استحاضه متوسطه بوده که یکبار غسل در روز و وضو برای هر نماز، کافی است. در صورتی که خون از پنبه تجاوز کند، استحاضه کثیره شمرده می شود و لازم است برای هر نماز یک غسل انجام دهد یعنی اگر نمازها را با فاصله می خواند، در روز پنج غسل و اگر ظهرین و عشائین را جمع می کند، سه غسل واجب بوده و برای هر نماز وضو لازم است.



## پیشینه

در کتب فقهی به طور مشخص در باب طهارت و به مناسبت در ابوابی همچون صلاه، صوم، حج، اعتکاف به استحاضه و احکام مربوط به آن پرداخته شده است. کتاب «العروه الوثقی» اثر سید محمدکاظم طباطبایی یزدی که در سال ۱۴۲۳ق به زیور چاپ آراسته گشته از جمله کتب فقهی است که در قرن اخیر مبنای بسیاری از فقها و مراجع تقلید شیعه برای بیان فتوا بوده در ۱۶ کتاب یا فصل به ۳۲۶۰ مسئله فقهی از جمله استحاضه و احکام آن پرداخته است که شرح بسیاری در ذیل آن از فقیهان نگاشته شده است. از جمله این شروح «التنقیح فی شرح العروه الوثقی» تقریر دروس سید ابوالقاسم موسوی خویی به قلم علی غروی است که در جای خود بسی ارزشمند است.

کتاب «جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام» از محمدحسن نجفی اثری جامع و استدلالی در فقه امامی است که در جلد سوم آن به احکام حیض و استحاضه پرداخته شده است. در دروس خارج نیز که شرحی بر کتب فقهی محسوب می شود، مطالبی در موضوع مذکور آمده است.

پایان نامه «بررسی احکام حیض و استحاضه در مذاهب اربعه» از نشمیل اطلسی در سال ۱۳۹۸ش، اثری دیگر در این رابطه است. در این پایان نامه یکی از مهم ترین انواع استحاضه که دارای سه نوع است؛ ناسیه قدر و وقت، ناسیه قدر دون الوقت، ناسیه وقت دون القدر و احکام مرتبط با حیض از جمله عدم صحت نماز و روزه، و طء و روابط زناشویی، طواف، اعتکاف، لبث در مسجد، قرائت قرآن، مس مصحف، طهارت، طلاق و غیره پرداخته شده است.

مقاله «احکام غسل های ویژه بانوان» از ساره ابراهیمی که در سال ۱۳۹۶ش، به زیور چاپ آراسته گشته، پژوهشی در این زمینه است. در این مقاله به سه غسل ویژه بانوان؛ حیض، استحاضه و نفاس نشانه ها و شرایط آن پرداخته شده است.

مقاله «آراء فقها در احکام و اقسام استحاضه» از فاطمه آراسپ که در سال ۱۳۹۹ش، در دومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی ارائه شده، پژوهشی مرتبط در این موضوع است. این مقاله به طریقه اختبار هر یک از اقسام استحاضه و احکامی نظیر قضای نماز یا روزه در این ایام، طواف خانه خدا، ورود به مساجد، اقامه نماز به جماعت، طریقه ادای اجزای فراموش شده نماز و احکامی از این دست را از آرای فقهایی که نظرات خود را بر کتاب شریف عروه الوثقی نوشته اند، پرداخته است.

همانطور که مشاهده می شود در کتب فقهی در مورد احکام استحاضه سخن به میان آمده



است. به تبع در دروس خارج نیز درسنامه‌هایی در این موضوع وجود دارد. در میان پایان‌نامه‌ها و مقالات نیز پیرامون استحاضه و انواع و احکام آن هر چند به صورت محدود، مطالبی آمده است. تقسیم‌بندی‌ها و بررسی‌های صورت گرفته هر یک از یک منظر و در حیطه‌های متفاوت است و بیشتر با احکام حیض و استحاضه در رابطه با سایر اعمال نظیر نماز و روزه و حج و نکاح می‌باشد. تا حد احصاء مقاله‌ای که به انواع استحاضه و احکام مختص خود استحاضه از جمله وجوب تعویض پنبه به وجوب غیری به دلیل تنجس محل، وجوب تحفظ از خروج خون به وجوب غیری و بطلان نماز در صورت عدم تحفظ بدون نیاز به اعاده غسل، عدم وجوب غسل متوسطه قبل از نماز صبح، وجوب وضو قبل از هر نماز، وجوب تجدید وضو در نوافل، کفایت اغسال کثیره از وضو، وجوب جمع بین صلاتین در صورت کفایت به غسل واحد، جواز تفریق نمازها در صورت اتیان اغسال پنج‌گانه و کفایت اغسال فرائض برای نوافل مقاله‌ای که به طور مستقل به موضوع استحاضه آن هم به صورت تطبیقی بین دو محقق برجسته و صاحب‌نظر محقق خوبی و محقق حکیم پردازد، مشاهده نشد.

### مفهوم‌شناسی استحاضه

برای بررسی واژه استحاضه که مشتق از حیض است، ضروری است به معنای لغوی حیض مراجعه شود.

### الف. در لغت

«حیض» خونی است که از رحم با وصف مخصوصی و در وقت خاصی خارج می‌شود. «محیض» به معنی حیض و وقت و مکان آن گفته می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۴، ص ۲۰۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۶۵؛ قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۲۰۶). همانطور که آیه ۲۲۲ سوره بقره می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ...» که بهتر است محیض اول به معنای خون و دومی به معنای زمان گرفته شود که در آن صورت معنا چنین می‌شود: «از تو درباره خون قاعدگی می‌پرسند. بگو: آن یک نوع آزار است پس از زنان در ایام حیض کناره‌گیری کنید...» و اگر محیض اول مصدر باشد، معنا چنین می‌شود: از تو از قاعده بودن می‌پرسند الخ (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۲۰۷).

برخی از اهل لغت «حیض» را آنچه بین همگان معروف است، دانسته‌اند که اگر یک زن مدنظر باشد به او «حیضه» و اگر جماعتی مدنظر باشند به آنها «حیضات» گفته می‌شود. او

همچنین «محيض» را اسم و مصدر دانسته و «مستحاضه» را زنی می‌داند که خون براو غلبه کرده و قطع نمی‌شود (فراهدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۶۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۲).

«استحاضه» باب استفعال از ماده «حيض» است. اگر از زن بعد از ایام عادت، چیزی شبیه خون خارج شود «مستحاضه» می‌شود. خون استحاضه از رگی به نام عاذل خارج شده و قطع نمی‌شود، برخلاف حیض که از رگ محیض خارج می‌شود. در این حالت زن مستحاضه نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد و از نماز مانند زن حائض دست نمی‌کشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۳ و ۱۴۲).

### ب. در اصطلاح

در اصطلاح «استحاضه» به خون بیرون آمده از رحم زن غیر از خون‌های حیض و نفاس گفته می‌شود که بیشتر زرد، سرد و روان است و بدون فشار و سوزش خارج می‌شود. گاهی نیز ویژگی‌های خون حیض را دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۵۷) به عبارت دیگر به خونی گفته می‌شود که شروط حیض را نداشته باشد؛ یعنی زیر سن ۹ سالگی و بالاتر از سن یائسگی باشد یا کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز بوده یا سه روز پی در پی و متوالی خون دیده شود یا اقل طهر که ده روز است، فاصله نشده باشد و از زخم و دمل هم نباشد، این خون که معمولاً زرد و رقیق و سرد بوده و بدون شدت و سوزش خارج می‌گردد، استحاضه می‌باشد.

### اقسام استحاضه

در وجود سه قسم استحاضه، بین فقهاء اختلاف نظر است. مرحوم حکیم به تبعیت از مشهور، استحاضه را سه قسم می‌داند که قسم اول، استحاضه قلیله است که در آن خون در پنبه نفوذ نکرده و حکم آن وجوب وضو برای هر نماز می‌باشد. قسم دوم، استحاضه متوسطه است که در آن خون به وسط پنبه نفوذ کرده و حکم آن وجوب غسل روزانه یک مرتبه با وضو برای هر نماز است که در وجوب وضو در نماز صبح اختلاف شده است. قسم سوم، استحاضه کثیره است که در آن خون از پنبه تجاوز می‌نماید و حکم آن وجوب اغسال سه‌گانه در صورت جمع بین دو نماز یا اغسال پنج‌گانه در صورت تفکیک نمازها است (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۳۸۸).

مرحوم خوینی برای اظهار نظر در این موضوع ابتدا نظر مرحوم آخوند را که با استناد به روایاتی از ابن جنید مطرح شده نقد و سپس نظر خویش را بیان می‌فرماید.

ابن جنید از جمله کسانی است که استحاضه قلیله را باور ندارد. وی معتقد است که اگر

خون از پنبه تجاوز نکند، چه نفوذ بکند یا نه، غسل یکباره برای هر روز و شب کافی است ولی اگر خون در داخل پنبه نفوذ کند و از آن بگذرد، بر مستحاضه واجب است برای هر نماز یا دو نماز (صلاتین) غسل کند. وی در این رابطه به دو روایت استدلال کرده است.

یکی موثقه سماعه: «قال: المستحاضه إذا ثقب الدم الكرسف اغتسلت لكل صلاتین و للفرج غسلًا، و إن لم یجز الدم الكرسف فعلیها الغسل لكل یوم مره و الوضوء لكل صلاه، و إن أراد زوجها أن یأتيها فحين تغتسل، هذا إن كان الدم عبيطا و ان كان صفة فعلیها الوضوء اگر خون در پنبه نفوذ کند مستحاضه باید برای هر دو نماز و نماز صبح، غسل کند و اگر خون در پنبه نفوذ نکند برای هر روز یک غسل و برای هر نماز یک وضو بر او واجب است، و اگر همسرش اراده او کرد، اتیان کند، تمام این موارد در صورتی است که خون تازه باشد و اگر زرد رنگ باشد، تنها وضو بر او واجب است» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲ / ۳۷۴). اطلاق عبارت «و إن لم یجز الدم الكرسف» هر دو حالت «نفوذ و عدم تجاوز» و «عدم نفوذ» را شامل می‌شود. یعنی اگر خون در پنبه نفوذ و از آن تجاوز کند، برای هر نماز غسل و اگر اصلا نفوذ نکند یا تجاوز نکند، برای هر روز یک غسل واجب است.

دیگری، صحیح زراره: «قلت له: النفساء متى تصلی؟ فقال: تقعد بقدر حیضها و تستظهر بیومین فإن انقطع الدم، و إلا اغتسلت و احتشمت و استثفرت و صلت فإن جاز الدم الكرسف تعصبت و اغتسلت ثم صلت الغداه بغسل و الظهر و العصر بغسل و المغرب و العشاء بغسل، و إن لم یجز الدم الكرسف صلت بغسل واحد...؛ پرسیده شد: چه زمانی نفساء نماز بخواند؟ به قدر حیض صبر کند و دو روز مراقبت کند اگر خون قطع نشد، غسل کند و مراقبت کند و نماز بخواند و اگر خون نفوذ کرد، برای نماز صبح غسل کند، ظهر و عصر را به غسلی و مغرب و عشاء را به غسلی بخواند و اگر خون نفوذ نکرد، همه را به یک غسل بخواند» (همان). هر چند این روایت در مورد خون نفاس است، اما باز دو تقسیم بیشتر در آن مشاهده نمی‌شود.

محقق خراسانی پس از استناد به دو روایت، استحاضه را سه قسم دانسته به این نحو که اگر خون داخل پنبه نفوذ نکند، تنها وضو واجب می‌شود و اگر خون نفوذ کند ولی تجاوز نکند، یک غسل در روز و اگر خون هم نفوذ کند و هم تجاوز، برای هر نماز یک غسل واجب می‌شود (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق، بخش دوم).

مرحوم خوئی پس از نقل نظر مرحوم آخوند اینطور استدلال می‌کند که اولاً دو روایت در مقام بیان کمیت خون بوده نه کیفیت آن، بنابراین اصفرو احمر و اسود در اینجا مطرح نبوده؛ بلکه منظور از صفره، خون کم است چه سرخ باشد، چه سیاه. اگر مراد رنگ خون بود، تعبیر

اصفر مناسب بود. ثانیاً اگر روایات در مقام بیان کیفیت خون بود باید برای خون احمر سه حالت را بیان می‌کرد و حالتی که اصلا خون نفوذ نکند را نیز لحاظ می‌نمود (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۳۲).

مرحوم خوئی معتقد است صحیحه الصحاف تصریح دارد که اگر خون استحاضه به پشت پنبه نفوذ نکند، وضو کافی بوده و غسل واجب نیست. مضمون روایت چنین است: «ثم لتنظر، فإن كان الدم فيما بينها وبين المغرب لا يسيل من خلف الكرسف فلتتوضأ و لتصل عند وقت كل صلاة ما لم تطرح الكرسف عنها، فإن طرحت الكرسف عنها فسال الدم و جب عليها الغسل، و إن طرحت الكرسف عنها و لم يسال الدم فلتتوضأ و لتصل و لا غسل عليها، قال: و إن كان الدم إذا أمسكت الكرسف يسيل من خلف الكرسف صبيهاً لا يرقاً، فإن عليها أن تغتسل في كل يوم و ليلة ثلاث مرات إلى أن قال و كذلك تفعل المستحاضة؛ سپس بنگراگر خون از پشت پنبه جاری نشود، در وقت هر نماز تنها وضو بگیرد و اگر خون از پشت پنبه جاری شد، غسل واجب است و اگر از پنبه تجاوز کرد ولی جاری نشد، وضو بگیرد و غسل نیاز نیست. اگر خون از پشت پنبه جاری شد باید در هر شبانه‌روز، سه بار غسل کند و اینگونه مستحاضه عمل می‌کند» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۳۷۴) که با این بیان اطلاق قول «وإن لم يجز الدم الكرسف فعليها الغسل» تقیید می‌خورد (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۳۲).

مرحوم حکیم بر این باورند که در این باب دو دسته روایات معارض وجود دارد. به این نحو که یک دسته دلالت بر وجوب وضو در خون صفره دارد؛ مثل صحیحه علی بن جعفر که از برادرش نقل کرده: «ما دامت ترى الصفرة فلتتوضأ من الصفرة و تصلي و لا غسل عليها من صفرة تراها»؛ مادامی که صفره می‌بیند، وضو بگیرد و نماز بخواند و غسلی در صفره واجب نیست (همان: ۲۸۰)، صحیحه محمد بن مسلم هم بدین مضمون است البته بدون کلمه صفره. و روایت علی بن جعفر: «فإن رأيت صفرة بعد غسلها فلا غسل عليها، يجزئها الوضوء عند كل صلاة تصلي؛ اگر بعد از غسل، صفره دید، غسلی بر او واجب نیست و وضو برای هر نماز کفایت می‌کند» (همان).

دسته دیگر روایاتی هستند که دلالت بر وجوب غسل در خون صفره دارد. از جمله: صحیحه إسحاق بن عمار، قال «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المرأة الحبلية ترى الدم اليوم و اليومين، قال: إن كان دمياً عبيطاً فلا تصلي ذينك اليومين، و إن كان صفرة فلتغتسل عند كل صلاتين؛ از امام صادق عليه السلام از زن حامله‌ای که یک یا دو روز خون دیده پرسیدم. امام فرمود: اگر خون تازه است در آن دو روز نماز نخواند و اگر زرد است برای هر دو نماز، غسل کند» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۳۳۱). روایت دیگر صحیحه عبد الرحمن بن الحجاج، قال «سألت أبا إبراهيم عليه السلام عن امرأة نفست فمكثت

ثلاثین یوماً أو أكثر، ثم طهرت و صلّت، ثم رأت دمًا أو صفره، قال: إن كان صفره فلتغتسل و لتصل و لا تمسك عن الصلاة؛ از امام کاظم علیه السلام از نفسائی که سه روز یا بیشتر خون دیده سپس طاهر شده و نماز خوانده و دوباره خون یا صفره دیده پرسیدم. فرمود: اگر صفره بود، غسل کند و نماز بخواند» (همان: ۳۹۳).

مرحوم حکیم در نهایت بین دو دسته از روایات را اینگونه جمع می‌کند که در صفره قلیله، وضو و در صفره کثیره، غسل واجب باشد.

مرحوم خوبی در این خصوص معتقد است که روایات سه غسل اطلاق ندارد و صفره قلیله را نمی‌گیرد لذا نسبتش با روایاتی که می‌گوید مطلقاً وضو بگیرد، عام و خاص می‌شود و نتیجه این می‌شود که در جایی که قلیله باشد وضو بگیرد؛ زیرا حکم صفره از حمره که قلیله و متوسطه اش سه غسل ندارد، بالاتر نیست.

مستند مرحوم خوبی روایتی از محمد بن مسلم است. مضمون روایت بدین شرح است: «محمد بن مسلم عن أحدهما علیهما السلام، قال: سألته عن الحبیلة قد استبان حملها، تری ما تری الحائض من الدم، قال: تلك الهراقة من الدم، إن كان دمًا أحمر كثيرًا فلا تصلّی، و إن كان قليلاً أصفر فلیس علیها إلا الوضوء؛ سوال کردم از زن بارداری که وضع حمل کرده و خون حیض می‌بیند. حضرت می‌فرماید: اگر خون سرخ و زیاد است، نماز نخواند و اگر زرد و کم است فقط وضو بگیرد» (همان: ۳۳۴). مرحوم خوبی دلالت روایت را بر وجوب وضو در خون اصفر قلیل و وجوب غسل در کثیر ولو اصفر باشد، می‌داند. مرحوم حکیم این خبر را بخاطر ضعفش فاقد صلاحیت جمع بین اقوال می‌شمارد.

مرحوم خوبی با استناد به روایتی از معاویه بن عمار عن أبي عبد الله علیه السلام، قال «المستحاضه تنظر أيامها فلا تصلّی فیها و لا یقربها بعلها، فإذا جازت أيامها و رأت الدم یتقّب الکرسف اغتسلت للظهر و العصر تؤخّر هذه و تعجل هذه، و للمغرب و العشاء غسلًا تؤخّر هذه و تعجل هذه، و تغتسل للصبح و تحتشی و تستتفر و لا تحنی (تحیی)، و تضم فخذیها فی المسجد و سائر جسدها خارج، و لا یأتیها بعلها أيام قرئها و إن كان الدم لایتقّب الکرسف توضأت و دخلت المسجد و صلّت کل صلاة بوضوء؛ مستحاضه باید به ایام عادتش بنگرد و در آن نماز نخواند و نزدیکی نکند و اگر ایامش تمام شد و خونی دید که در پنبه نفوذ می‌کند، برای ظهر و عصر یک غسل کند و ظهر را به تأخیر بندازد و در عصر تعجیل کند (با هم به جا آورد) و برای مغرب و عشاء هم یک غسل کرده و آن دو را با هم به جا آورد و برای نماز صبح هم یک غسل کند» (همان: ۳۷۱)، حکم استحاضه را به اختلاف نفوذپذیری خون در پنبه، منوط دانسته به این نحو که اگر



خون نفوذ کند، غسل و اگر نفوذ نکند، وضو بر عهده مکلف است. در حالی که خون یکی است و وجهی در تقسیم خون به صفره و حمره نبوده و اختلاف حکم، دایرمدار اختلاف رنگ نیست. در نتیجه آنچه مشهور در اقسام استحاضه بدان معتقدند، صحیح است.

مرحوم حکیم در نهایت، مقتضای جمع عرفی در جمیع نصوص را این می‌داند که اگر حمره نفوذ کند، اغسال سه‌گانه و اگر نفوذ نکند، غسل واحد واجب است و صفره اگر بنا بر عرف کم باشد، وضو برای هر نماز و اگر بنا بر عرف زیاد باشد، اغسال سه‌گانه واجب می‌شود. ایشان وجوب غسل برای متوسطه و کثیره در صفره را خلاف ظاهر می‌داند ولی به دلیل اجماع مشهور، مجالی در رد آن نمی‌یابد. ایشان اضافه می‌کند که ظاهر این است که تعبیر به صفره منظور قلت است و مشهور، رنگ محض بدون جوهر را صفره می‌گیرند.

برخی از فقها مثل محقق در معتبر (حلی، ۱۴۰۷ق) و صاحب مرآة العقول (مجلسی، ۱۴۰۴ق) منکر استحاضه متوسطه شده و استحاضه را قلیله و کثیره دانسته‌اند. مرحوم محقق روایت زراره را مضمراً دانسته و معتقد است سایر روایات هم به اغسال سه‌گانه و وضو اشاره دارند. صاحب معالم (عاملی، ۱۴۳۵ق) فرموده جواب محقق از این زاویه درست نیست؛ زیرا مضمرات زراره ضرر نمی‌زند مضاف اینکه جلالت قدر زراره اقتضاء می‌کند که از غیر امام نقل نکند. در کتب اربعه نیز این روایت نقل شده است. جواب صحیح این است که «بغسل واحد» یا غسل نفساء است یا مجمل است. با این بیان معلوم می‌شود، صاحب معالم هم استحاضه را قلیله و کثیره دانسته است.

مرحوم خوینی، حکم استحاضه متوسطه را علاوه بر عوض کردن پنبه و وضو گرفتن برای هر نماز، غسل یکبار در هر شبانه‌روزی می‌داند. اما وجوب غسل یکبار در روز که مشهور به آن معتقد است مخالفانی دارد از جمله عمانی و اسکافی و محقق و علامه و غیر ایشان از متأخرین نظیر مرحوم اردبیلی و بهایی که اغسال سه‌گانه را واجب می‌دانند و فرقی بین تجاوز دم و عدم آن نمی‌گذارند. بلکه معتقدند به مجرد نفوذ خون در پنبه اغسال ثلاثه واجب می‌شود. دلیل این حکم، اطلاق صحیح‌ه معاویه بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام است که می‌فرماید: «قال: المستحاضه تنظر أيامها فلا تصلی فیها و لا یقربها بعلها، فإذا جازت أيامها و رأت الدم یثقب الکرسف اغتسلت للظهر و العصر تؤخر هذ و تعجل هذ، و للمغرب و العشاء غسلًا تؤخر هذ و تعجل هذ، و تغتسل للصبح و تحتشی و تستنفر و لا تحنی (تحیی)، و تضم فخذیها فی المسجد و سائر جسدها خارج، و لا یأتیها بعلها أيام قرئها و إن کان الدم لا یثقب الکرسف توضأت و دخلت المسجد و صلّت کل صلاة بوضوء؛ مستحاضه باید ایام عادت را نگه دارد و در آن نماز نخواند و

همسرش به او نزدیک نشود. زمانی که ایام عادتش گذشت و خونی دید که از پنبه تجاوز کرد، برای ظهر و عصر یک غسل کند و با هم جمع کند و برای مغرب و عشاء هم یک غسل کرده و نمازها را با هم جمع کند و برای نماز صبح هم یک غسل کند و اگر خون داخل پنبه نفوذ نکرد، برای هر نماز یک وضو بگیرد». مرحوم خوئی معتقدند که گرچه صحیحه معاویه بن عمار در دلالت و سند ضعف ندارد ولی بنا بر اخبار وارده تقیید می خورد که اگر خون نفوذ کرد ولی تجاوز نکرد، یک غسل در روز واجب است. علاوه بر اینکه روایات منحصر به روایت زراره نیست (خوئی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۴۹).

در روایتی دیگر، بین سیلان داشتن و عدم آن فرق گذاشته شده، در صورت سیلان داشتن، سه غسل و گرنه یک غسل بر عهده مستحاضه می باشد. مضمون روایت اینگونه است: «فَإِنْ ظَهَرَ عَنِ الْكُرْهِيِّ فَلْتَغْتَسِلْ ثُمَّ تَصَّعْ كُرْهِيًّا آخِرُكُمْ تُصَلِّي فَإِذَا كَانَ دَمًا سَائِلًا فَلْتُوَخِّرِ الصَّلَاةَ إِلَى الصَّلَاةِ ثُمَّ تُصَلِّي صَلَاتَيْنِ بِغُسْلٍ وَاحِدٍ»؛ اگر از پنبه ظاهر شد، غسل کند و یک پنبه دیگر بگذارد و نماز بخواند و اگر خون جریان داشت دو نماز را با هم جمع کند و برای هر دو یک غسل کند (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۳۷۵).

در روایتی دیگر بین نفوذ و عدم آن فرق گذاشته شده و در صورت عدم نفوذ یک غسل همراه با وضو و در صورت نفوذ، سه غسل واجب دانسته شده است. مضمون روایت چنین است: «ثُمَّ هِيَ مُسْتَحَاضَةٌ فَلْتَغْتَسِلْ وَتَسْتَوِئُ مِنْ نَفْسِهَا وَتُصَلِّي كُلَّ صَلَاةٍ بِوُضُوءٍ مَا لَمْ يَنْفُذِ الدَّمُ فَإِذَا نَفَذَ اغْتَسَلَتْ وَصَلَّتْ؛ مستحاضه باید غسل کند و تا زمانی که خون در پنبه نفوذ نکرده برای هر نماز یک وضو بگیرد، و اگر خون نفوذ کند، غسل کند و نماز بخواند» (همان). روایت ذیل نیز همین معنا را افاده می کند.

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ. قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ نَفَسَتْ فَكَثُرَتْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ طَهَّرَتْ وَصَلَّتْ ثُمَّ رَأَتْ دَمًا أَوْ صَفْرَةً قَالَ: إِنْ كَانَتْ صَفْرَةً فَلْتَغْتَسِلْ وَتُصَلِّ وَ لَا تُنْسِكُ عَنِ الصَّلَاةِ؛ از موسی بن جعفر از زن نفساء سوال شد که سه روز یا بیشتر صبر کرده و پاک شده و نماز خوانده است سپس خون یا صفره دیده. حضرت می فرماید: اگر صفره بود، غسل کند و نماز بخواند» (همان: ۳۹۳).

### احکام استحاضه متوسطه و کثیره

استحاضه قلیله دارای احکام خاصی نمی باشد و صرف تجدید وضو قبل از هر نماز و نیز

تطهیر بدن و لباس کفایت می‌کند. در ادامه دیدگاه محقق خویی و محقق حکیم در برخی از احکام استحاضه متوسطه و کثیره از نظر می‌گذرد.

### ۱. وجوب عوض کردن پنبه

دو دیدگاه در این باب مطرح است. دیدگاه اول، خون استحاضه را مثل حیض و نفاس دانسته که کم آن نیز نجس و موجب بطلان نماز است پس عوض کردن پنبه، طبق اقتضاء قاعده واجب است. دیدگاه دوم، تعویض پنبه را نه از جهت اقتضای قاعده بلکه به جهت تعبد به نص واجب می‌داند بنابر صحیحی یا موثقه أبان بن عثمان عن عبدالرحمن بن أبی عبدالله: «فإن ظهر عن (علی) الکرسف فلتغتسل ثم تضع کُرْسُفاً آخر ثم تصلّی؛ اگر از پنبه ظاهر شد، پس باید غسل کرده، پنبه دیگر گذارد و نماز بخواند» (همان: ۳۷۵).

مرحوم خویی قائل به قول اول بوده و معتقد است که برای مناقشه مدعی مجال وسیع است؛ زیرا شاید امام علیه السلام در مقام بیان شرع نبوده و در بیان امر عادی بوده که معمولاً پنبه آغشته به خون بعد از تطهیر دوباره استفاده نمی‌شود یا فرمایش امام به جهت تنجس محل است. مورد روایت، لزوم تبدیل پنبه در صورت خروج آن برای عدم نجاست محل است یعنی اگر زن پنبه را خارج کرد به جایش برنگرداند؛ اما اینکه تجدید پنبه با بودن پنبه مانع از درستی نماز شود از روایت فهمیده نمی‌شود مثلاً اگر پنبه در زوال عوض شده و تا آخر روز خارج نگردد، لازم نیست که آن را عوض کند (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸ / ۴۹).

مرحوم خویی درباره صحیح صفوان از ابی الحسن علیه السلام که می‌فرماید: «قلت له: إذا مكثت المرأة عشرة أيام تری الدم، ثم طهرت فمكثت ثلاثة أيام طاهراً، ثم رأيت الدم بعد ذلك أتمسك عن الصلاة؟ قال: لا، هذه مستحاضة تغتسل و تستدخل قطنة بعد قطنة، و تجمع بین صلاتین بغسل، و یأتیها زوجها إن أراد؛ اگر زن ده روز ایام عادت را خون ببیند سپس سه روز پاک باشد و بعد از آن خون ببیند، آیا نباید نماز بخواند؟ فرمود: نه، این مستحاضه است، غسل کند و پنبه بعد از پنبه داخل کند و بین دو نماز را با غسل واحد، جمع کند و در اختیار همسر خود باشد (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲ / ۳۷۲) و بروجوب دخول پنبه بعد از پنبه دلالت دارد، معتقد است نهایت چیزی که از روایات استفاده می‌شود، ادخال پنبه بعد از پنبه اول است؛ اما دلالتی بروجوب اخراج پنبه اول نیست. چه بسا روایت در صدد بیان وظیفه شخص مستحاضه برای دوری از خروج خون و نجس شدن اطراف محل و لباس باشد (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸ / ۵۰).

مرحوم خویی در رد روایت دیگری از جعفر علیه السلام که می‌فرماید: «قال: المستحاضة



تقعد ایام قرنها ثم تحتاط بیوم أو یومین، فإن هی رأَتْ طهراً اغتسلت، وإن هی لم تر طهراً اغتسلت و احتشت فلا تزال تُصَلِّي بِذَلِكَ الْغَسْلِ حَتَّى يَظْهَرَ الدَّمُ عَلَى الْكُرْسَفِ، فَإِذَا ظَهَرَ أَعَادَتِ الْغَسْلَ وَأَعَادَتِ الْكُرْسَفَ؛ مستحاضه ایام حیض را نگه می دارد سپس یک یا دو روز احتیاط کند، هنگامی که پاک شد، غسل کند. اگر پاک هم نشد غسل کند پس تا هنگامی که خون بر پنبه دیده نشود، می تواند نماز بخواند و اگر خون ظاهر شد باید غسل کند و پنبه را اعاده کند» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۳۷۵)، معتقد است که این روایت علاوه بر این که به خاطر قاسم بن محمد جوهری ضعف سندی دارد، در دلالت هم قاصر است؛ زیرا تنها بر وجوب تجدید پنبه، در صورت خارج کردن آن دلالت دارد تا هنگام برگرداندن پنبه اطراف محل نجس نشود. اما اگر پنبه را خارج نکند، نیازی به تعویض نیست؛ زیرا دلالتی بر وجوب اخراج پنبه نیست بنابراین حکم مبنی بر احتیاط است (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۵۱).

مرحوم خویی اضافه می کند که تنها مقتضای قاعده باقی می ماند، اینکه محمول متنجس مخصوصاً باطنی مانع نماز نیست و پنبه از قبیل محمول است پس خون پنبه مانع از نماز نیست حتی اگر بنای فکری این باشد که خون استحاضه چه کم و چه زیاد مانع نماز است. ضمن اینکه با تنجس پنبه با فرض اینکه خون استحاضه انقطاع ندارد، عوض کردن پنبه لغو می باشد (همان).

مرحوم حکیم مقتضای اولیه را عدم وجوب تبدیل پنبه در قلیله می داند. او معتقد است روایاتی هم که قلیله را به وضو امر می کند، حرفی از عوض کردن پنبه نمی زند مخصوصاً در این مقام که در باطن است؛ گرچه نزد صاحب منتهی در وجوب عوض کردن پنبه اختلافی نیست. همچنین این امر در ناصریات، غنیه، تذکره و جامع المقاصد اجماعی است. در مقابل مرحوم صدوق و قاضی آن را ذکر نکرده و به خبری در این باره دست نیافته اند (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۳۹۳).

مرحوم حکیم درباره روایاتی که به تبدیل پنبه در متوسطه اشاره دارند نظیر: «وَلْتَسْتَدْخِلْ كُرْسُفًا فَإِنْ ظَهَرَ عَنِ الْكُرْسَفِ فَلْتَغْتَسِلْ ثُمَّ تَضَعْ كُرْسُفًا آخَرَ ثُمَّ تَصَلِّ؛ پنبه ای داخل کند اگر خون از پنبه ظاهر شد پس غسل کرده و پنبه ای دیگر گذارد و نماز بخواند» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۳۷۵) و «فَلَا تَزَالُ تُصَلِّي بِذَلِكَ الْغُسْلِ حَتَّى يَظْهَرَ الدَّمُ عَلَى الْكُرْسَفِ فَإِذَا ظَهَرَ أَعَادَتِ الْغُسْلَ وَأَعَادَتِ الْكُرْسُفَ»؛ مدام با آن غسل نماز بخواند تا زمانی که خون بر پنبه آشکار شود در این هنگام غسل و پنبه را اعاده کند (همان: ۳۷۶) بر این باور است که این روایات در موردی است که وقتی پنبه را برای غسل خارج کرده، بعد از غسل اگر بخواهد همان پنبه را قرار دهد، بدنش آلوده می شود.

بنابر این لازم است پنبه تازه‌ای قرار دهد؛ اما وجوب تبدیل پنبه از این روایات به دست نمی‌آید.

## ۲. وجوب تحفظ از خروج خون

تحفظ، گذاردن پنبه به منظور جلوگیری از خروج خون است. برخی از فقها کوتاهی در این امر و خروج خون را باعث بطلان وضو و غسل می‌دانند.

مرحوم خوینی معتقد است که امر به جلوگیری از خروج خون که از آن به احتشاء و استشفار تعبیر می‌شود، به منظور عدم معاقبه و مؤاخذه بر ترک آن، وجوب نفسی نیست بلکه وجوب غیري و امر ارشادی است. از این جهت که نجاست حاصله موجب بطلان نماز می‌شود و حفظ طهارت بر همه مکلفین شرط بوده و مختص مستحاضه نیست. بنابراین اگر خون در اثناء نماز خارج شود فقط نماز را باطل می‌کند و اعاده غسل لازم نیست مگر اینکه پس از بطلان نماز، زمان طولانی تا اعاده نماز فاصله شود که در این صورت بخاطر اخلال در مبادرت، اعاده غسل واجب می‌شود. بنابراین دلیلی بر اینکه خروج خون مبطل نماز و غسل به صورت تعبدی است، وجود ندارد بلکه بر طبق قاعده و به خاطر آلودگی و نجاست بدن و لباس، مبطل نماز است (خوینی، ۱۴۱۸ق: ۸ / ۵۳)

مرحوم خوینی همینطور خروج خون در حال غسل را به طور قطع، مانع صحت آن نمی‌داند؛ زیرا تعبیر «تغتسل فتحتشی» که در اخبار ذکر شده، این معنا را می‌رساند که مستحاضه در جلوگیری از خروج خون تا بعد از غسل رخصت دارد و اگر خون حین غسل خارج شود، مانعیتی برای غسل ندارد (خوینی، ۱۴۱۸ق: ۸ / ۵۳)

همانطور که گذشت مرحوم خوینی این بیان که شرط صحت روزه مستحاضه، اغسال سه‌گانه و تحفظ از خروج دم در طول روز است و با خروج خون، اغسال و به تبع آن روزه باطل می‌شود را رد کرده و اشکالاتی را بر آن وارد می‌کند از جمله اینکه این ادعا اخص از مدعی است؛ زیرا اگر فرض کنیم که خون قبل از نماز ظهر خارج شود، وظیفه مستحاضه تنها غسل برای ظهرین و عشاءین بوده و برای صحت روزه اش، غسل صبح واجب نیست بنابراین خروج خون موجب بطلان غسل نمی‌شود. غسل که باطل نشود، روزه هم باطل نمی‌شود. حتی اگر گفته شود غسل باطل است باز هم روزه باطل نمی‌شود؛ زیرا اگر نظرشان این است که خون استحاضه مثل خون حیض یا تعدد بر بقاء بر جنابت حدث نقضی است و با خروجش روزه باطل و قضاء آن واجب می‌شود، قیاس خون استحاضه با خون حیض قیاس مع الفارق است زیرا حائض مکلف بر روزه نیست ولی مستحاضه مأمور به نماز و روزه است. قیاس آن با بقاء بر

جنابت تعمدی هم احتیاج به دلیل دارد بلکه با ادله حصر نواقض روزه دلیل بر عدم نقض وجود دارد و خروج خون جزء آن موارد نمی‌باشد. دلیل دیگر، عدم شهرت این مسأله مبتلا به است. اگر خروج خون ناقض روزه و تحفظ از آن تا آخر روز شرط بود، باید این مسأله شایع و اصحاب به آن متعرض می‌شدند در حالی که این مسأله در روایات و ادله وارد نشده است (همان).

مرحوم حکیم بعد از طرح مسأله، قول «ذکری» مبنی بر وجوب اعاده غسل و توافق «نهایت الاحکام» را بیان کرده و نظر صاحب جواهر را که عفو از حدث بعد از طهارت مگر در نماز به مقتضای ادله می‌باشد را ذکر کرده و اضافه می‌نماید که اجمال نصوص موجب رجوع به استصحاب عدم نقض است و امر به تحفظ مثل امر به وضو و غسل، شرط در نماز است. اگر پنبه نگذارد و خون خارج شود مانع از نماز است ولی اعاده غسل لازم نیست (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۳۸۹).

### ۳. وجوب غسل متوسطه قبل از نماز صبح

مشهور معتقدند که زمان غسل متوسطه باید قبل از نماز صبح باشد و اگر قبل از نماز ظهر مستحاضه شد، نمازهایش را تا فردا صبح بخواند و قبل از نماز صبح فردا غسل کند. مرحوم حکیم زمان این غسل را در صورتی که در شب استحاضه شده باشد، قبل از نماز صبح و اگر قبل از نماز ظهر متوسطه شده باشد، قبل از ظهر می‌داند (همان). مرحوم خوبی نیز به دلیل اطلاق اخبار، موجبی برای اینکه زمان غسل متوسطه باید قبل از نماز صبح باشد، نمی‌بیند (خوبی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۶۹).

### ۴. وجوب وضوء قبل از هر نماز

مرحوم خوبی در صحیح زراره و معاویه که از نظر گذشت، دلالتی بر وجوب وضوء قبل از هر نماز نمی‌بیند و معتقد است آنچه مشهور از وجوب وضوء قبل از هر نماز ذکر کرده‌اند بر صحیح زراره از جهت قرینه خارجی استوار است. این که مستحاضه از اول صبح تا آخر وقت عشاء بر طهارت باقی بماند یا اصلاً رخ نمی‌دهد یا خیلی نادر است و با وجود حدث بعد از غسل اول صبح یا باید نماز بخواند با حدث یا باید وضو بگیرد و نماز بخواند. التزام به مورد اول صحیح نبوده، مورد دوم می‌ماند که مطلوب است. پس جمله «صَلِّتْ بِغَسَلٍ وَاحِدٍ» در مقابل اغسال متعدد بوده و نظر به عدم وجوب وضوء ندارد. وجه مناقشه این است که چرا باید برای نماز صبح که قبل آن غسل انجام شده و امکان بقاء طهارت باقی است یا برای نماز دوم، وضوء گرفت؟

عمده جواب، موثقه سماعه است که می‌گوید: «وإن لم يجز الدم الكرسف فعليها الغسل لكل يوم مره و الوضوء لكل صلاه؛ اگر خون در پنبه تجاوز نکرد پس یک غسل برای هر روز و وضو برای هر نماز بر اوست» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲ / ۳۷۴). مرحوم حکیم نیز قائل به وجوب وضو قبل از هر نماز می‌باشد (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳ / ۳۹۲).

### ۵. تکرار یا عدم تکرار وضو در نوافل

با وجود نص روایاتی مثل صحیحہ معاویه بن عمار، در اینکه حدث استحاضه موجب بطلان وضو است، تردید و اختلافی نیست و ادعای ابن ابی عقیل مبنی بر عدم نیاز به وضو، خلاف نص روایات است. بحث در تکرار وضو در نوافل است. نسبت به مقتضای قاعده دو نظر وجود دارد. یک نظر بر طبق مقتضای قاعده معتقد به وجوب وضو است؛ زیرا اگر وضو نگیرد، شک دارد که نمازش با طهارت حکمیه است یا نه؟ مرحوم حکیم، دم استحاضه را حدث دانسته و مستحاضه را همچون مبطون و مسلوس بعد از وضو هم محدث می‌داند که شارع مقدس حکم به جواز نماز او داده است. حال اگر مکلف شک کند شارع مقدس نماز نافله‌ای که با وضو فریضه خوانده را با طهارت اعتبار کرده است یا نه؟ قاعده اشتغال می‌گوید اصل بطلان است؛ زیرا شک در امتثال برابر اصل عدم امتثال است (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳ / ۳۹۴).

مرحوم خوبی معتقد به استصحاب بقای طهارت است؛ زیرا به مستحاضه رخصت وضو و نماز داده شده پس طاهر است. با وجود طهارت، مستحاضه جایز است هر قدر نماز که خواست بخواند پس مقتضای قاعده صحت نماز با این وضو است (خوبی، ۱۴۱۸ق: ۸ / ۶۸).

شیخ به دو بیان وضویی که برای فریضه است را مجوز نافله می‌داند. بیان اول؛ اطلاق روایاتی مثل موثقه سماعه که به یک نماز محدود نشده است. بیان دوم؛ روایت «وَلْتُصَلِّ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ» که می‌فرماید مکلف وقت هر نمازی وضو بگیرد و هر چه خواست نماز بخواند (طوسی، ۱۴۰۷ق) بنابراین اشکالی بر این که می‌تواند دو فریضه را بخواند، وارد نیست. مرحوم خوبی علاوه بر بیان نظر شیخ طوسی، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق) را هم قائل به این معنا دانسته که علاوه بر مشقت، ناسازگار با شریعت سهله و سمحه نیز می‌باشد.

مرحوم حکیم معتقد است که بین فرائض و نوافل فرقی نبوده و بین آنها با یک وضو جمع نمی‌شود. او کشف اللثام، تذکره، منتهی و نهاییه الاحکام و معتبر را به استناد صحیح معاویه و موثق زراره موافق این قول می‌داند. هر چند در صحیحہ صحاف و غیر آن به کفایت یک وضو اشاره شده و در مبسوط آمده: «اگر برای فریضه، وضو گرفت، هر قدر خواست نافله بخواند» و

مذهب از آن تبعیت کرده ولیکن با آنچه در عدم کفایت یک وضو آمده، معارضه صلاح نیست. مرحوم حکیم مراد از «لکل صلاة وضوء» را نماز صبح با نافله می‌داند ولی آن را به نماز ظهر با نوافلش تسری نمی‌دهد؛ زیرا شریعت امر فرموده مکلف در استحاضه، نماز را جمع و برای هر نمازی یک وضوء بگیرد. مرحوم حکیم علت این امر شریعت را اعتبار نماز با وضوء یا غسل دانسته و این چنین نمازی را مایه تقرب می‌داند. ایشان در ادامه برای برون رفت از مشکل، مراد شارع را عنوان نماز می‌گیرد به این نحو که برای نافله نماز ظهر ولو هشت رکعت باشد یک وضوء، برای نماز ظهر هم یک وضوء لازم است (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳ / ۳۹۳).

### ۶. کفایت یا عدم کفایت غسل کثیره از وضوء

مرحوم خوبی بر این اعتقاد است که گرچه سید مرتضی و کسانی که قائل به کفایت تمام غسل‌ها از وضوء شدند، در استحاضه ملتزم به وجوب وضوء در هر نماز می‌باشند ولی به دلیل عدم دلالت اخبار وارده در استحاضه کثیره بر وجوب وضوء، عدم وجوب وضوء صحیح است. مثل آنجا که در صحیح معاویه بن عمار «إن ثقب دمها الكرشف وجبت الأغسال الثلاثة علیها، وإذا لم یثقب الكرشف وجب علیها أن تتوضأ لكل صلاة» بین خون نافذ و غیر نافذ تفصیل داده و به عدم وجوب وضوء در اولی قائل شده است یا موثقه سماعه «إذا ثقب دمها الكرشف اغتسلت للغداة وللظهرین و للعشاءین، و إذا لم یتجاوز اغتسلت غسلًا واحدًا و توضأت لكل صلاة» بین خون نافذ متجاوز که اغسال سه‌گانه در آن واجب می‌شود و جایی که خون نافذ هست ولی تجاوز نمی‌کند که یک غسل با یک وضوء برای هر نماز واجب می‌شود، تفصیل داده است. یعنی فرد هنگام نفوذ خون در پنبه و تجاوز آن مکلف برای وضوء نیست. دیگر این که اخبار وارده در استحاضه کثیره بر وجوب اغسال سه‌گانه دلالت دارد و از وجوب وضوء برای هر نماز ساکت است و سکوت از وجوب در مقام بیان، دلالت بر عدم وجوب وضوء دارد. نتیجه این که اخبار موثقه سماعه و صحیح معاویه تفصیل بین استحاضه کثیره و متوسطه یا بین کثیره و قلیله می‌دهد و حکم به وجوب وضوء در متوسطه و قلیله کرده ولی حکم به وجوب وضوء در کثیره نمی‌کند و تنها به وجوب اغسال سه‌گانه حکم می‌کند. اضافه بر اینکه گفته شد که تمام غسل‌ها، کفایت از وضوء می‌کند و استحاضه متوسطه به نص خاص از این قاعده خارج می‌شود (خوبی، ۱۴۱۸ق: ۸ / ۶۷).

مرحوم خوبی معتقد است وجوب وضوء برای هر نماز در استحاضه کثیره همانند متوسطه مستند به نص مرسله یونس است «و سئل عن المستحاضة فقال: إنما ذلك عرق عابر (عائذ) أو ركضة من الشيطان فلتدع الصلاة أيام أقرائها، ثم تغتسل و تتوضأ لكل صلاة، قيل: وإن سال؟



قال: وإن سال مثل المَثْعَب» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۲۸۱) همان عبارتی که فرمود: اگر مثل جریان آب، سیلان داشته باشد.

مرحوم خوبی ضمن این که روایت را معتبر و خارج از حکم ارسال می‌داند، بیان می‌دارد که روایت دلالتی بر وجوب وضو در استحاضه کثیره ندارد و عبارت «إن سال مثل المَثْعَب» ناظر بر وجوب وضو نیست بلکه ناظر بر وجوب نماز است. به این بیان که نباید حیض و استحاضه را به خاطر کثرت خون، با هم مقایسه و نماز را ترک کرد. این روایت در صدد بیان وجوب نماز یا عدم وجوب آن بر زن صاحب دم است که به دو قسم تقسیم می‌شود یکی حائض و دیگری مستحاضه که نماز بر دومی واجب است. پس اگر زن صاحب دم، صاحب عادت باشد، بر عادتش رجوع و اگر دارای صفات باشد، به صفات وگرنه به عدد رجوع می‌کند. این روایات دلالت بر وجوب غسل و وضو بر مستحاضه کثیره ندارد بلکه امام علیه السلام در مقابل تعجب سائل با عبارت «إن سال مثل المَثْعَب» بر وجوب نماز در زمان استحاضه حکم می‌کند (خوبی، ۱۴۱۸ق: ۶۷ / ۸).

مرحوم حکیم وجوب وضو را به مشهور و اکثر متأخرین نسبت داده و خروج از عموم را با نصوصی که دلالت بر کفایت غسل از وضو دارد مثل آیه جنابت ممکن می‌داند.

مرحوم حکیم وجوب وضو را به مشهور و اکثر متأخرین نسبت داده و عمل به غیر این را خلاف ادعای اجماع می‌داند. ایشان به عموم قول خداوند تعالی: «إذا قمتم الی الصلوه...» استدلال کرده و به خاطر وجوب وضو در قلیله و متوسطه، اصل را بر عدم کفایت غسل از وضو گذاشته است. ایشان اضافه می‌کند خروج از عموم با نصوصی که دلالت بر کفایت غسل از وضو دارد مثل آیه جنابت ممکن است. همچنان که مفید و سید در جمل و محقق در معتبر و احمدبن طاووس معتقدند وضو با هر غسلی واجب است و جماعتی از آخرین‌های متأخرین با این قول موافقتند. علاوه بر اشکالاتی که به این قول وارد است، نصوص نیز خالی از تعرض در این باب هستند در حالی که در قلیله و متوسطه وارد شده‌اند چنان که در نفی وجوب وضو در کثیره تصریح شده است. به همین علت، دو صدوق و شیخ و سید در ناصریه و حلبی و بنی زهره و حمزه و براج، وضو را در کثیره واجب نمی‌دانند و این قولی است که اعظم از متأخرین اختیار کرده‌اند (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳ / ۳۹۴).

## ۷. وجوب جمع بین صلاتین در استحاضه کثیره

مرحوم خوبی معتقد است حکم وجوب جمع بین صلاتین بنا بر رأی مشهور به دلیل لزوم

فوریت و عدم جواز تأخیر نماز از غسل در استحاضه کثیره و برای اکتفاء به غسل واحد برای صلاتین است که این وجوب، شرطی است، نه نفسی. همانطور که نماز اول باید بلافاصله بعد از غسل باشد، به همان ملاک نباید بین نماز دوم و غسل مگر به مقدار نماز اول، فاصله افتد و تأخیر بیشتر مانع اکتفاء به غسل اولی است. آنچه از اخبار مستفاد می‌شود، جواز اکتفا به غسل واحد در صورت جمع بین دو نماز و وجوب غسل جداگانه برای هر نماز در صورت فاصله انداختن بین دو نماز است (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸ / ۶۰).

مرحوم خویی به صحیح عبدالله بن سنان از ابی عبدالله علیه السلام: «سمعتہ یقول: المرأة المستحاضة التي لا تطهر تغتسل عند صلاة الظهر و تصلي الظهر و العصر، ثم تغتسل عند المغرب فتصلي المغرب و العشاء، ثم تغتسل عند الصبح فتصلي الفجر؛ زن مستحاضه که طاهر نیست باید نزد نماز ظهر، غسل کرده و نماز ظهر و عصر را به جا آورد سپس نزد مغرب غسل کرده و نماز مغرب و عشاء را به جا آورد سپس نزد صبح، غسل کرده و نماز صبح به جا آورد» استناد کرده و کلمه «عند» موجود در صحیح را دال بر وجوب فوریت می‌داند. ایشان معتقد است با این که کلمه «عند» از ظروف زمانی و نشان مقارنه حقیقی است؛ اما در این مقام، دلالت بر مقارنه عرفی دارد. چنان که غسل در حال نماز ممکن نیست و اتصال نماز به غسل نظیر قول «اغسل يدك عند الأكل، أو ادع بالدعاء الكذائي عند النوم» است که در آن امکان اقترا ن حقیقی نیست پس منظور اقترا ن عرفی و نشان دهنده اتصال است وگرنه اگر کسی دستش را بشوید و ساعاتی بعد غذا بخورد، عرف و عقل نمی‌گوید برای غذا دستش را شسته اینجا هم همین گونه است. همچنین از «فاء» در قول امام علیه السلام: «تغتسل... فتصلي» که ظاهر است در تفریع، فوریت و تعقیب نماز بعد از نماز بدون فاصله به دست می‌آید (همان).

مرحوم حکیم بنا بر آنچه در صحیح ابن مسلم «فلتجمع بين كل صلاتين بغسل» و موثق زراره و صحیح صفوان آمده، بر جمع بین صلاتین بدون هیچ خلاقی حکم می‌کند البته نه در بیش از دو نماز (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳ / ۳۹۳).

## ۸. جواز تفریق بین نمازهای مستحاضه

مرحوم خویی فاصله انداختن بین نمازها و اتیان اغسال پنجگانه را صحیح می‌داند. توضیح این که اگر فرد غسل کند و نماز بخواند سپس بعد از فاصله زمانی هنگامی که خواست نماز عصر بخواند اگر محدث نشده بود، مقتضی قاعده عدم وجوب غسل برای نماز دوم است؛ زیرا پاک بوده و حدث مبطلی رخ نداده است. البته با قطع نظر از اخباری در این مقام وارد شده وگرنه به

اقتضای عدم جواز اقتصار بر غسل قبل از نماز ظهر مبادرت واجب بود؛ اما اگر بین دو نماز محدث شود، مقتضی قاعده وجوب غسل برای دومی است؛ زیرا بعد از حدث یا باید نماز عصر را بدون غسل و وضو بجا آورد که به خاطر اشتراط نماز به طهارت، غیر محتمل است یا با وضو نماز بخواند که این هم غیر مشروع است؛ زیرا اخبار بر اکتفاء به وضو بعد از غسل زمانی دلالت دارد که خون در پنبه نفوذ کند ولی تجاوز نکند که در استحاضه کثیره مشروع نیست یا باید نماز را با غسل بجا آورد که این مطلوب است (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۶۲).

مرحوم خوئی اقتضای دو روایت صحیحه یونس بن یعقوب «قلت لأبی عبدالله علیه السلام: امرأة رأَت الدم فی حیضها حتی جاوز وقتها متی ینبغی لها أن تصلی؟ قال: تنظر إلى أن قال فإن رأَت الدم دمأً صبیباً فلتغتسل فی وقت کل صلاة؛ به امام صادق علیه السلام عرض شد زنی که وقت ایام حیضش خون دیده و این ایام گذشته، چه زمانی باید نماز بخواند؟ فرمود: اگر خون روان دید در وقت هر نماز غسل کند» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۳۷۶) و صحیحه محمد الحلی عن ابي عبدالله علیه السلام قال «سألته عن المرأة تستحاض إلى أن قال تغتسل المرأة الدمیة بین کل صلاتین؛ از زن مستحاضه سوال شد. حضرت فرمود: بین هر دو نماز غسل کند» را خروج از اطلاق با جمع بین صلاتین می داند؛ زیرا مقید و مخصص اطلاق آنها، اخبار دال به جواز اقتصار بر غسل واحد هنگام جمع صلاتین است (خویی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۶۲).

مرحوم حکیم اکتفاء به غسل واحد را در جمع بین صلاتین جایز دانسته و عبارت «فإن رأَت دمأً صبیباً فلتغتسل فی وقت کل صلاه» در روایت یونس را دال بر آن می داند. ایشان معتقد است با جدایی بین دو نماز، غسل دوم شرط صحت نماز دوم است (حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۳۹۴).

## ۹. کفایت اغسال فرائض برای نوافل

مرحوم خوئی به دلیل روایات عدم وجوب غسل برای نوافل را صحیح می داند. یک دسته از روایات بر غسل برای فجر و ظهرین و عشاءین دلالت دارد مثل صحیحه معاویه بن عمار و مرسله یونس، دسته دیگر بر غسل نزد نماز ظهر و مغرب و صبح دلالت دارد مثل صحیح ابن سنان، دسته دیگر بر سه مرتبه غسل در روز دلالت دارد مثل صحیح صحاف. از مجموع اخبار، وجوب غسل در فرائض به دست می آید؛ زیرا اخبار با اینکه در مقام بیان بوده، تعرضی به وجوب غسل در نوافل نکرده است. از آنجا که به دلیل التزام افراد به نوافل در آن دوران، این مسئله، مسئله مورد ابتلای مردم بوده، وجهی در عدم تعرض به آن به جز عدم وجوب غسل در نوافل باقی نمی ماند. به خصوص که در صحیح صحاف به وجوب غسل سه گانه در یک روز تصریح شده،

اگر غسل در نوافل نیز واجب بود، بیش از سه مرتبه غسل ذکر می‌شد (خوبی، ۱۴۱۸ق: ۸/ ۶۳).  
مرحوم حکیم ادله را قاصر از اثبات کفایت غسل فرائض برای نوافل دانسته و مهم در این  
مقام را اجماع بیان کرده است و گرنه با ادله اولیه، وجوب غسل برای نوافل را ثابت می‌داند  
(حکیم، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۳۹۴).

### نتایج

- در بررسی نظر دو محقق و نیز توجه به آراء برخی دیگر از اندیشمندان، نتایج ذیل به دست  
می‌آید.
۱. تقسیم مشهور در باب استحاضه با توجه به روایات وارده از دیدگاه محقق خوبی و  
محقق حکیم متن می‌باشد.
  ۲. وجوب تبدیل قطنه به وجوب گیری به دلیل تنجس محل مورد تأیید دو محقق  
می‌باشد.
  ۳. وجوب تحفظ از خروج خون از نظر هر دو محقق به وجوب گیری است و در صورت عدم  
تحفظ نماز باطل شده ولی اعاده غسل لازم نیست.
  ۴. وجوب غسل متوسطه قبل از نماز صبح از نظر محققان نامبرده موجبی نداشته و هر  
وقت استحاضه متوسطه حادث شود برای فریضه بعدی نیاز به غسل می‌باشد.
  ۵. وجوب وضو قبل از هر نماز از نظر هر دو محقق وارد است.
  ۶. بنا بر قاعده استصحاب بقای طهارت، دلیلی بر وجوب وضو قبل از هر نافله از نظر محقق  
خوبی وجود ندارد ولی محقق حکیم بنا بر قاعده اشتغال به این وجوب معتقدند.
  ۷. هر دو محقق بر کفایت اغسال کثیره از وضو معتقد می‌باشند.
  ۸. وجوب جمع بین صلاتین را هر دو محقق واجب شرطی می‌دانند بنا بر اکتفای بر اغسال  
سه گانه بنا بر این تفریق بین صلاتین با اتیان اغسال پنج گانه جایز می‌باشد.
  ۹. محقق خوبی معتقد به کفایت اغسال فرائض بر نوافل به دلیل سکوت روایات در این  
زمینه هستند ولی محقق حکیم دلیل این کفایت را اجماع می‌دانند.



## منابع و ماخذ

### قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، (۱۴۱۳ق)، رساله فی الدماء الثلاثه، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۲. آراسپ، فاطمه، (۱۳۹۹ش)، آراء فقها در احکام و اقسام استحاضه، دومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی، دانشگاه بین الملل ابن سینا، گرجستان.
۳. ابراهیمی، ساره، (۱۳۹۶ش)، احکام غسل های ویژه بانوان، دوره ۲۶، شماره ۳۰۶، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم.
۴. اطلسی، نشمیل، (۱۳۹۸ش)، بررسی احکام حیض و استحاضه در مذاهب اربعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، کردستان.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی معروف به شیخ صدوق، (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، قم.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دار صادر، بیروت.
۷. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه، موسسه الامام الصادق، قم.
۸. حلی، جعفر بن محمد، (۱۴۰۷ق)، المعتبر فی شرح المختصر، موسسه سید الشهداء، قم.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدارالشامیه، بیروت.
۱۰. رستمی، سهیلا؛ یوسفی سیده ریحانه، زواتخت، مینا، (۱۴۳۷ق)، مطالعه تطبیقی سن یائسگی در فقه مذاهب اسلامی، مجله فقه پزشکی، شماره ۲۸ و ۲۹، تهران.
۱۱. طباطبایی حکیم، سید محسن، (۱۳۹۱ق)، مستمسک العروه الوثقی، دارالتفسیر، چاپ چهارم، قم.
۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۳ق)، العروه الوثقی، نشر اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۱۳. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، خلاف، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۱۵. عاملی، حر، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، آل البيت، قم.



۱۶. عاملی، حسن بن زیدالدین، (۱۴۳۵ق)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، موسسه النشر الاسلامی، چاپ چهاردهم، قم.
۱۷. عاملی جزینی، ابوعبدالله شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول)، (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، قم.
۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشیعه فی أحكام الشریعه، موسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، انتشارات هجرت، قم.
۲۰. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۱. گلیایگانی، محمد رضا، (۱۴۱۱ق)، مجمع المسائل، دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، قم.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول، تصحیح: محسن الحسینی الامینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۲۷ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، بنیاد معارف اسلامی، چاپ سوم، قم.
۲۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶ق)، احکام النساء، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم.
۲۶. موگهی، عبدالرحیم، (۱۴۲۳ق)، احکام روز بانوان، مجله مبلغان، شماره ۳۵.
۲۷. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۹۰ق)، تحریرالوسیله، مطبعه الاداب، چاپ دوم، نجف.
۲۸. موسوی خویی، سید ابالقاسم، (۱۴۱۸ق)، موسوعه الامام الخویی، التوحید للنشر، قم.
۲۹. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، التوحید للنشر، قم.
۳۰. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت.
۳۱. هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۴۲۴ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، قم.
۳۲. همدانی، رضا بن محمد هادی، (۱۴۱۸ق)، مصباح الفقیه، الموسسه الجعفریه لاحیاء التراث، قم.